

۱۸۳
—

کشور متحد ایران

نبنده ای از نصوص مبارکه که راجع به

کشور مقدس ایران

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند:

« یا ارض الطار لا تحزنی من شیء قد جعلک الله مطلع فرح
العالمین ... افرحی بما جعلک الله افق النور بما وُلد
فیک مطلع الظهور وسمیت بهذا الاسم الذی لا یسیر فی
وشرق السموات و الارضون ... طمئننی بفضل ربک
لا تنقطع عنک لحظات اللطاف .. »

همچنین در لوح مبارکی میفرمایند:

« یا ارض الطار یاد آر بهنگامی را که مقرر عرش بودی و
انوارش از در دیوارت ظاهر و هویدا چه مقدار از نصوص
مقدسه مطمئننه که به جنت جان دادند و روان ایشان نمودند

طوبی از برای تو و از برای نفوسی که در تو ساکنند بر حساب
شتمی عرف مقصود از تو مییابد در تو پدید آید آنچه مستور
بود و از تو ظاهر شد آنچه پوشیده و پنهان کدام عشق
صادق را ذکر نمایم که در تو جان داد و در خاکت پنهان
شد نجات تمیص الهی از تو قطع نشده و نخواهد شد ...

و در لوح دیگر که مخصوص زائرین طهران نازل شده میفرماید :

« یا ایها الناظر الی الوجوه اذا رأیت سواداً بدیتی قف
و قل یا ارض الطاء قد صلبت من شطر السجین بنیاء الله العظیم
اشترک بعنایت ربک و اکبر عبدک من قبل حق علام الغیوب
اشهد فیک ظلم لایتم لکنون و انیب المخزون و بکت لاج
سره ما کان و ما یکون یا ارض الطاء یدکرک مولی الاسماء
فی مقامه الممود قد کنت مشرق امر الله و مطلع الوحی و منظر الام
العظیم الذی به ضطربت الافدة و القلوب کم من مظلوم
اشته فیک فی سبیل الله و کم من مظلوم دفنت فیک بظلم

لوح به جباد مکرمون آمان ذکر اولیانی هفاک الذین خلوا
السجین فی سبیل الله مالک الملوک ...

در لوح دیگر میفرماید :

« در باره زبان نوشته بودید تازی و پارسی هر دو نیکو
است چه که آنچه از زبان خواسته اند پی بردن بگفتار
گویند است و این از هر دو میاید امروز چون آفتاب
دانش از آسمان ایران آشکار و هوید است هر چو این زبان
ستایش نماید سزاوار است ... »

حضرت عبدالباق در الواح کثیره عظمت ایران و مستقبل در نشان از بیان فرموده اند از جمله میفرمایند :

« پروردگار عالمیان محض فضل و احسان بیکی ایران را بخلق متفخر فرموده و ایرانیان را تاجی بر سر نهاده که جوهره زواجرش بر قرون و اعصار بتابد و آن ظهور این امر بدیع است ... بشیت الهیه تعلق گرفته و قوه معنوی در ایران نجان نموده بدائم محترم و وعده غیر کذب . »

و همچنین میفرمایند :

« افق ایران بسیار تاریک بود و چون لاجمات ترک و تاجیک و فارسین را بنیاد بر باد و بنیان دیران تا آنکه شب تاریک پایان رسید و صبح امید بدید و آفتاب حقیقت بدرخشید . غتقرب کلین گلشن گردد و تاریک روشن شود و آن اقلیم قدیم مرکز فیض جلیل شود و آوازه بزرگوارش گوشزد خاور و باختر گردد و مرکز سنو حیات رحمانیه شود و مصدر رفیوضات

بر پایه کرده عزت قدیم بازرگردد و درهای بسته باز شود زیرا نیز یزدانی در او جوش بتافت و نور حقیقت در قطبش علم بر افرا آبتنگ جهان بالا بلند شد و پر تو ملا علی بدرخشید ، ملکوت الهی خمیه زد و آئین یزدانی منتشر شد غتقرب خوابی دید که آن کشور نجات قدس مطهر است و آن اقلیم بنور قدیم نور . »
و نیز میفرمایند :

« مستقبل ایران در نهایت شکوه و عظمت و بزرگواری است زیرا موطن جمال مبارکست جمیع اقلیم عالم توجه و نظر احترام بایران خواهند نمود و یقین بدانند که چنان ترقی نماید که نظار جمیع اعظم و دانایان عالم حیران ماند بدهش تیره کبری بطنها لمن تشار و نهاد و عد غیر کذب و یقین نباره بعین . »
و نیز میفرمایند :

« امید داریم که از برای ایران اسبابی فراهم آید که سبب راحت و اطمینان عموم گردد عدل و انصاف بمان آید

جور و عساف مانند ما را در امور سیاسی مدخلی نه خیر عجم
خواهیم و ترقی جمهور و بعالم آداب و اخلاق ایران خدمت میکنیم
شب روز میگوئیم که خدایک روح جدیدی در جسم ایران
بدد تا یک قوه فی خارق العاده در بنیه ایران و ایرانیان جلوه نماید،

و نیز میفرمایند:

«حضرت بهار الله و حضرت باب هر دو ایرانی بودند و سید بنابر
سی هزار ایرانی در این سبیل جانفشانی نمودند و من نیز ایرانی
هستم حتی با وجود اینکه شصت سال است از ایران خارج شده ام
هنوز راضی بر آن نگشته ام که عادات جزئیة ایرانی ترک شود
بهائیان ایران را میپرستند نه همین حرف میزنند شما نظر بعمل
کنید ... امثال شما که فی حقیقه خیر خواه دولت و ملتند و در
نیکنامی ایران میکوشند و اهل دانشند چنین نفوس را من از
خویش و پیوند خویش میبارم ... بر اسی میگویم که من مشتاق
دیدارتو هستم زیرا تو خدمت بایران و ایرانیان مینمائی و من از

جلد ایرانیان بستم .
و نیز میفرمایند:

«... بهائیان چنان ایران را در نظر جلوه داده اند که امروز هم
غضری از اقالیم سبعة پریش ایران مینمایند زیرا شمس حقیقت
از آن حق طلوع نموده و وطن مقدس حضرت بهار الله است
لا محاله کنسید که چه موهبتی حضرت یزدان در حق ایران ایرانیان
فرموده ... »

راجع به نور و ما نذران میفرمایند:

« آن حدود و شعور منبت شجره مبارکه است و موطن حضرت
مقصود و حاجت چنان آباد گردد که جمیع ممالک عالم غبطه
خورند کعبه مکرمه سنگستان بود و دور از آبادی صحرائش
غیر ذی نزع بود و در یگزار بسیار گرم لکن چون نسبت بحق
یافت یعنی موطن حضرت رسول علیه السلام بود قبله آفاق
کشت و مطاف مقرین و مخلصین در گاه کبریا هر سال صد هزاران

نفوس مؤمنه از دیارهای بسیار در بجان و دل و قدم پیشانی
تا آنکه مدینه مبارکه را طواف کنند و زیارت نمایند مگر طایفه
عالیان شد و ملاذ آد میان چون موطن سرور کائنات بود
اما در ایام حضرت قدر و شتر لقی نداشت بعد از مدتی این
قدر و شتر لقت جلوه نمود حال نیز هر چند حدود و ثغور نور
بله مظهر است و لکن عنقریب بیت معمور گردد و عترت ابدیه
جلوه نماید مضاف عالیمان گردد و اول قلم جهان شود و اول
نور اشجار و مباحثات بر جمهور نمایند که ماسئله هم و طنان
جمال مبارکیم آباء و اجداد ما بشرف تقاضا نشدند و بموجب
عظمی رسیدند .

راجع بفارس و شیراز میفرمایند :

« ای یاران الهی خطه شیراز منسوب بحضرت بی نیاز و مومن
کاشف اسرار بر اهل راز از آن کشور ماه منور طلوع نمود و
از آن استلیم صبح منیر طلوع یافت بشرحال مبارک ندای

الهی را از آن ارض نورانی بلند فرمود و مشرود موعود سیان
را در احسن تقصص با بدع بیان گوشزد شرق و غرب کرد
اول نداد آن خطه و دیار اوج گرفت و نفوس مبارکه
نفره رنبا آنا سمعنا و یاسیادی لایمان ان آمنوا بکم فاما
بر آوردند حال الحمد لله آن کشور بنور عرفان منور است و آن
خاک پر توحنایت حق تابناک ...

و نیز میفرمایند :

« الحمد لله یاران فارس فارس میدان عرفاند و حارصین
حصین رحمان ... یقین است که موطن آن نورسین بهمت
دوستان الهی عنقریب تزیین یابد و غبطه بهشت برین گردد
از الطاف دلبر آفاق مستنظیم که آن خطه و دیار را مشکبار
فرماید و آن استلیم را روضه نعیم نماید شیراز پر آواز گردد
و ندای الهی بلند شود و یاران الهی بساز و آوازی دمساز شوند
که جمیع اصوات فاشع گردد ... »

و نسیه میفرمایند :

« سبحان الله هنوز ارکان حکومت ملتفت این عظم موهبت
نشده اند که خداوند چه عنایتی در حق اولیای امور نموده است
در قضی بلاد عالم حتی امریک بمركز سلطنت ایران دعوت نماید
و نهایت ستایش را میکنند و عنقریب ملاحظه خواهد شد که
دولت و طنی جمال مبارک در جمیع بسط زمین محترم ترین حکومت
خواهد گشت آن فی ذلک عبرة للمتأخرین و ایران محترم ترین
بقاع عالم خواهد شد آن بذا الفضل عظیم . »

و از جمله میفرمایند :

« بجا الله ایران را روشن نموده و در انظار عمومی عالم محترم نماید
و ایران چنان ترقی نماید که محمود و مغبوط شرق و غرب گردد
اگر این سخن در بنحیه نبود حال حضرت بهاء الله بر افکار عمومی
اروپا مستولی شده بود و ایران را جنت رضوان نموده بود و
ایرانیان را محترم در نزد جمیع دول و ملل بلکه کار بجائی رسیده بود

که مرجع جمیع ملل و دول گشته بود اگر بهاء الله در اروپا
ظاهر شده بود ملل اروپا غنیمت می شمردند و تا بحال سبب
آزادی جهان را احاطه نموده بود .

یکی از مناجاتهای حضرت عبدالبهاء :

بنام یزدان مهربان

پاک یزدانا خاک ایران را از آغاز مشکبیز فرمودی و نور گنیز
دانش خیز و گوهر ریز از خاوش همواره خورشیدت نور افشان
و در باحترش ماه تابان نمایان کشورش مهر پرور و دشت
بهشت آسایش پر گل و گیاه جان پرور و کسارش پراز میوه
تازه و تر و چین زارش رشک باغ بهشت بهوشش بهام سرور
دجوشش چون دریای ژرف پر خروش رفو گاری بود در آتش
دانشش خاموش شد و اختر بزرگوارش پنهان در زیر پرورش
باد بهارش خزان شد و گلزار دلربایش خازار چشمه شیرینش
شوگشت و بزرگان نازینش آواره و در بدر هر کشور دور پرورش

تاریک شد و رودش آب باریک تا آنکه دریای نخست
 بجوش آمد و آفتاب دهم در مید بهار تازه رسید
 و باد جانپرور وزید و ابر بهمن بارید و پرتو آن محرم مهر پرور
 تابید کشور بجنبید و خاکدان گلستان شد و خاک سبزه شک
 بوستان گشت جهان جهانی تازه شد و آوازه بلند گشت
 دشت و کهنار سبز و خرم شد و مرغان چمن برانه و تنگ
 هدم شدند هنگام شادمانیت پیغام آسمانیت بگناه
 جاودانیت بیدار شو بیدار شو ای پروردگار زنگوار حال
 انجمنی فراهم شده و گروهی به استمان گشته که بجان بکشند
 تا از باران نخست بهره بیارند و کوه و کوه خور در این
 پرورشت در آغوشش موش پرورده رشک و دشمنان نماید
 آئین آسمانی بیاموزند و بخشش یزدانی آشکار کنند پس ای
 پروردگار مهربان تو پشت و پناه باش و نیروی بازو بخش
 تا به آرزوی خویش رسند و از کم و بیش درگذرند و آن مزد بوم

را چون نمونه جهان بالا نمایند . ع ع

و در لوجی دیگر میفرستد باید

بخواند

ای ایران پارسیمان هر قومی از اقوام روز فیروز می دشته
 و در آن روز جشن عظیم برپا نمودند و بزم شادمانی و طرب برپا
 کردند امروز روز شصت و هفت است و وقت سرور و جهور شصت
 زیرا آفتاب پرسی از افق ایران درخسیده و بجمع آفاق نور
 پاشیده عنقریب ایران محسود عالمیان گردد و ایرانیان مغبوط
 جهانیان شوند و عیسی کم الهما را الهی .

عبدالباقی عباس

۱۷ ع ۲ سنه ۱۳۳۸

حضرت شوقی ربانی ولی امرالله میفرمایند :

« مگذاردید که اولیای امور ادنی نگذردی حاصل نمایند
اگر فی الحقیقه بموجب احکام و تعالیم الهیه سالک و عامل
شویم و بنوع بشر و وطن خویش خدمت نمائیم عاقبت
حقیقت معلوم و مشکوف گردد و خود آن نفوس گناه ثنوند
و اقبال نمایند معذک مگذاردیدگان کنند که بهائیان
تعلق بوطن خویش ندارند بلکه برستی بدانند و یقین نمایند
که از همه بیشتر و از همه مخلصتر و از همه ثابت تر در احیای ایران
و تعزیر ایرانیان بوسائل حقیقی میکوشند و مطمئنند که ایران
عاقبت عزیز و توانا خواهد شد ... »

و نیز میفرمایند :

« اهل بهایچه در ایران و چه در خارج آن موطن جمال قدس
ابهی را پرستش نمایند و در اجبار و تعزیر و ترقی و ترویج معصوم
حقیقتی این سرزمین منافع و رحمت بلکه جان و مال خویش را

فدا و ایثار کنند .

قسمتی از مناجات حضرت ولی امرالله

« ای قوی قدیر دست تضرع ببارگاه قدس مرتفع منهای
امرت را مایوس مفرما و السن کائنات بذكر بدایع قدرت
ناطق وراثت امرت را پیش از پیش مدد بخش جمعی از ظهور
خفیات امرت و بروز لطائف حکمت و اله و حیرانند
مصداق و عود منصوصه کتاب اقدس را بر عالمیان ظاهر
و آشکار کن ملائکه تائید پی در پی بفرست و آن موطن اعلی را
جنت ابهی نما صوت رجال امرت را گوشزد و اعلام بعید
نما و مدینه منوره طهران را مطلع سرور عالمیان و مطلع

نظر جهانیان کن .

در یکی از الواح میفرمایند :

« تا الله الحق هذا ما یبغی لكم و لا تنکم و معاکم و کل من
سمع و اجاب ندائکم فی ذلک الصقع الذی خصه الله

بفصله و رفح شانه و جمله موطن نفسه و محمد امره و مکن سراز
و کرسی اقتداره و حصن دینه و مهبط انواره و مطلع فرج العالمین «
« ارض طاه موطن جمال اقدس ابینی مرکز سنو حات الیه
گردد و مطلع بخت و فرج عالمیان شود . »

و نیز میفرمایند :

« بترویج و تکمیل اساس این آئین مقدس که خادم مصالح ایران
و عالمیان است در نهایت آزادی و حکمت و تمانت و
اقتدار شب و روز مشغول گردند و بتدریج تاسیس و ترویج آسنا
نجات و آسایش و عمران آن کشور مقدس بکلی تمام جهان
جهانیان نمایند . »

« خطه ایران علی الخصوص مدینه شیراز سراپا روشن و منور
گردد روح ب عالم اسکان در مطاف عالمیان گردد . »

و همچنین میفرمایند :

« نهایت آمال و آرزوی دل و جانم زیارت آن مهبط انوار

است و طوف مستقر رأس مبارک جمال اقدس ابینی تشریف
بآن خاک تابناک است و سیر و مرور بر آن اودیبه جمال
و اطلال مبارکه آن خطه علیا استنشاق رویح قدس از آن
دیار است و شرب ما معین از انهر جاریه انصفیات «

« حال ای برادران و خواهران روحانی دور دور ایران
است و زمان زمان نصرت و شادمانی عزیزان آن سامان
بدایت بزوغ آفتاب سعادت ابدیه است و تا شیر عصر
عزت موعوده آن ستمدگان اگر در محالک بیگانه گان بچه
انار عظیمه و نظورات باطله و مشغولات غریبه ظاهر و نمودار
کشته پس در موطن اصلی جمال قدم و اسم عظیم که بنفش صریح مرکز عهد قوم
حکومتش محترمترین حکومت عالم و انباشش منبسط و محسود قوم
و امم کردند منبسط چه خواهد شد . »

« ارض طاه موطن جمال اقدس ابینی مرکز سنو حات الیه
گردد و مطلع بخت و فرج عالمیان شود . »

این وعود الهیه و بشارات سامیه که از قلم اعلیٰ و کلام ملهم
مؤید مرکز عهد و میثاق نازل گشته به مدلول این آیه مبارکه
حتی الوقوع است قوله الاصلی :

« و آنچه از قلم اعلیٰ جاری گشته ظاهر شده و خواهد شد و یابقی
من حرف الآ و قدیراه المنصفون مستویاً علی عرش الظهور »